

پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

No. 40, Spring & Summer 2020

شماره ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۲۹-۲۴۷ (مقاله پژوهشی)

واکاوی معجزه، اعجاز قرآن و وجود آن از دیدگاه فناری

مریم مهدی‌بناه^۱، هادی نصیری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۵/۹ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۲/۳۱)

چکیده

مساله اعجاز از مباحث حائز اهمیت قرآن است که از نیمه دوم قرن دوم آغاز شده و تا قرن هشتم به حد کاملی از رشد و بالندگی رسید. یکی از شخصیت‌های ممتاز علوم تفسیر و معانی قرآن که این مهم را مورد بررسی و تدقیق قرار داده فناری است. شمس الدین فناری صاحب تفسیر عین الاعیان با رویکرد عرفانی است. به نظر ایشان معجزه امر خارق العاده‌ای است که همراه با تحدی باشد بدون اینکه با آن معارضه شود و با کرامت و ارهاص فرق دارد. فناری در تفسیر خود در مورد اعجاز نسبت به علمای قبل از خود دو رویکرد جدید دارد: نخست اعجازی که متعلق به خود قرآن است و دوم اعجازی که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است، نه از خود معارضه با وجود قدرت دستاوردهای حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد که فناری علاوه بر همنظر بودن با سایر علماء در زمینه اعجاز، دارای نظرات و اندیشه‌های تازه‌ای نیز بوده است که بارزترین آن تحلیل کاملاً عرفانی از مقامات پیامبر اسلام(ص) و قدرت ایشان بر اینه معجزه و نیز تحلیل ماهیت نظم با مؤلفه‌های پنج گانه آن است.

کلید واژه‌ها: فناری، تفسیر عین الاعیان، اعجاز قرآن، وجود اعجاز، صرفه.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول);
۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

۱- بیان مسئله

گرچه طی قرون نخستین، نظریه روشنی در باب «اعجاز قرآن» بیان نشده است اما از اوایل قرن سوم به معنای این واژه به مفهوم «ناتوانی بشر در هماوردی قرآن» در کتب اسلامی (جاحظ، ۲۵۵م)، سخن رفته است. پیش از پایان این قرن این واژه به یک اصطلاح علمی بدل شد که همواره عالمان اسلامی در بیان وجوده و الزامات آن اختلافاتی داشته و نظریات گوناگونی ارائه نموده‌اند.

به نظر می‌رسد این موضوع علی‌رغم ظهور دیرهنگام در عرصه علوم قرآنی، در تطور خود تا قرن دهم هجری در آثار متعددی از جمله تفسیر «عین الاعیان» علامه شمس‌الدین فناری به کمال و بالندگی خود رسیده است. فناری که از علمای برجسته قرن نهم هجری است تفسیری از سوره فاتحه الكتاب دارد که حاجی خلیفه در مورد آن آورده است: «لابد لطلب علم التفسير ان يعلم ما في هذا التفسير او لا ليكون على بصيرة من علمه» (حاجی خلیفه، ۴۵۵/۱) مقدمه تفسیر وی شامل مطالبی ارزشمند در مورد علوم قرآن است.

گرچه این تفسیر تا به امروز در حد یک نسخه خطی باقی مانده است، اما پس از تلاش بسیار در باب احیاء و تصحیح این نسخه به مطالب ارزشمندی در باب اعجاز از دیدگاه فناری دست یافته شده که به تحلیل و بیان این موضوع پرداخته شده است. علماء از دیدگاه شمس‌الدین فناری در باب اعجاز استفاده نموده‌اند. علاوه بر اینکه شناخت ماهیت اعجاز و وجوده آن از دغدغه‌های همیشگی دانشمندان اسلامی بوده است، اعجاز از نظر شمس‌الدین فناری نیز مورد واکاوی قرارداده شده است.

این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤالات است که: معجزه چه ماهیتی دارد؟ دیدگاه فناری در مورد اعجاز قرآن چه بوده و او به کدام یک از وجوده گوناگون اعجاز معتقد بوده است؟

۲- مقدمه: فناری، جایگاه علمی و عین‌الاذهان

در این قسمت به معرفی شخصیت علمی فناری و کتاب عین‌الاعیان پرداخته می‌شود.

۱-۱. فناری و شخصیت علمی

به جهت پاسخ‌گویی به سوالات این پژوهش پیش از ورود به بحث اصلی مقاله، زندگی فناری و برخی از آثار او به اختصار و اجمال مرور می‌شود تا از این رهگذر اهمیت پرداختن به دیدگاه‌های او روشن گردد.

فناری محمد بن حمزه بن محمد بن محمد، رومی حنفی، ملقب به شمس‌الدین، معروف به فناری و ابن الفناری و علامه فناری، از اکابر علمای عثمانی قرن نهم هجری می‌باشد که در معانی و بیان و قرائات و هیئت و تمامی علوم متداوله یگانه عصر خود بود. وی در صفر ۷۵۱ هـ چشم به جهان گشود و در سن ۸۴ هـ در سال ۸۳۴ هـ در سن ۸۴ سالگی فوت کرد.

شمس‌الدین فناری در اطلاع و احاطه به تمامی علوم عقلیه و نقلیه و عربی در عصر خود بی‌نظیر بود و در نزد سلطان بازیزد خان (۷۹۱-۸۰۴ هـ) و چلبی سلطان محمد خان (۸۱۶-۸۲۴ هـ) و دیگر سلاطین وقت بسیار محترم و غالباً در امور دولتی نیز محل استشارة بوده و در امورات شرعیه اهتمام تمام بکار می‌برد. به قولی او نخستین کسی است که در آن زمان به مرتبه شیخ‌الاسلامی نایل گردیده است (طاشکبری زاده، ۱۷/۱)

شهرت علمی ابن فناری در زمینه عرفان نظری است. وی علم عرفان نظری را به درجه‌ای رساند که حتی کسانی که واجد شهود عرفانی نیستند نیز بتوانند در مورد مبانی آن تحقیق کرده و آثار علمی به هم زنند. از بررسی آثار وی بر می‌آید که به ظاهر، او دارای مکافه و شهود عرفانی نبوده است. (بیزان پناه، ۵۰)

فناری آثار گوناگونی دارد که برخی از آنها عبارتند از "فصل البدائع فی أصول الشرائع" که در مورد اصول فقه بوده و فناری در آن کتب "أصول بزدوى"، "المحصل امام رازى"، شرح مختصر اصول ابن حاچب" را جمع‌آوری کرده و سی سال نوشتن آن به

طول انجامیده است. افزون بر آن کتاب "عيصات الافکار فی اختبار اولی الابصار" که حاوی چندین مسئله از فنون عقلیه است به عنوان یکی دیگر از آثار فناری شناخته می‌شود. کتاب دیگر وی "الفوائد الفناریة" که همان شرح "ایساغوجی" در منطق است و ایساغوجی رساله اثیر الدین ابهری است. همچنین کتاب "مصاح الائنس بین المعقول و المشهود فی شرح مفتاح الغیب الجم و الوجود" از آثار فناری است؛ این کتاب قرن‌ها کتاب درسی حوزه‌های عرفانی بوده است (امینی نژاد، ۱۹۹۱). لازم به ذکر است که اگرچه نگارش کتاب "انموذج العلوم" به ابن فناری نسبت داده شده اما تردیدهایی در این زمینه وجود دارد که پرداختن به آن خارج از مجال این پژوهش است.

۲-۲. معرفی کتاب عین الاعیان

تفسیر "عین الاعیان فی تفسیر القرآن"، که تفسیر سوره فاتحه الكتاب است و تفسیری عرفانی از سوره حمد می‌باشد، چهار مقدمه دارد، با عنوانی: تعریف تفسیر، وجه حاجت به تفسیر، موضوع تفسیر و علمی که تفسیر از آن استفاده می‌کند. ایجاد همزبانی بین فلسفه و عرفان از اهداف اصلی ابن فناری است، او سعی دارد تا مطالب را به صورت استدلالی و در قالبی منطقی یا دست کم قابل پذیرش فیلسوفان ارائه دهد (یزدان پناه، ۵۰). یک نسخه خطی از عین الاعیان در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. با جستجو در کتابخانه‌های ترکیه و استانبول به یازده نسخه دیگر از این نسخه دسترسی یافتیم و بعد از این که نسخه خطی احیاء و تصحیح گردید،^۱ با اعتقاد به این که این اثر نیز همچون آثار دیگر شمس الدین فناری اهمیت ویژه‌ای دارد، درواکاوی بخش علوم قرآن این اثر مطالبی قابل تأمل یافتیم که دلیل انجام این پژوهه گردید.

۱. این نسخه خطی به عنوان رساله دکتری در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال توسط مریم مهدی‌پناه مورد تصحیح و تحقیق علمی قرار گرفت.

۳. واکاوی مفهوم معجزه از دیدگاه فناری

معجزه از دیدگاه فناری و تفاوت آن با برخی از واژه‌های کرامت و ارهاص در بندهای زیر از نظر می‌گذرد.

۱-۱. معجزه و تفاوت آن با دیگر امور خارق العاده

بطور کلی اعجاز، مصدر باب افعال از (ع ج ز) است. چنانکه ابن فارس می‌گوید: «عجز» کلمه‌ای صحیح از دو ریشه است یکی بر ضعف و ناتوانی و دیگری بر آخر هر چیزی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۶۱۰) افزون بر این اساس «اعجاز» در لغت به معنای ناتوان ساختن کسی یا چیزی است که موجب می‌شود آن چیز یا آن کس، به تاخیر افتاد و به آخر رود بنابراین «معجزه» اسم فاعلی است که در آن مفهوم مبالغه نهفته است. به عبارت اخیر اعجاز در لغت به معنای ناتوان یافتن هم استعمال شده است (شرطونی، ۷۴۷/۲).

معجزه اصطلاحی کلامی است که نوعاً اینگونه تعریف می‌شود که: «امری خارق العاده همراه با تحدي و سالم از معارضه که خداوند آن را به دست پیامبر ش پدید می‌آورد تا نشان رسالت وی باشد» (نک: فاضل مقداد / ۶۱، فخر رازی / ۴۸۹؛ حلی / ۴۷۴؛ حاجی خلیفه / ۴۷۵-۴۷۴؛ طوسی / ۳۵۰).

ابن فناری در بحث اعجاز کتاب «عين الاعيان» معجزه را اینگونه تعریف کرده است: معجزه در لغت از اعجاز است و در اصل دیگری را ناتوان از کاری یا رایی کردن است و این کلمه مونث شده به اعتبار اینکه معجزه صفتی برای خصلت است و إعْجَاز و معاجزه و تعجیز به معنای سبقت گرفتن بر فردی در مسائله‌ای است، به طوری که از او فوت گردد، مانند کلام خداوند متعال در آیات شریفه زیر: «وَيَسْتَئْوِنُكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌ وَمَا أَنْتُ بِمُعْجِزِينَ» (یونس، ۵۳) ابن فناری در مورد این آیه تصریح می‌کند که در این آیه معجزین هم قرائت شده از ریشه تعجیز، یعنی سبقت گیرنده بر ما، فوت کننده از ما! همچنین فناری به آیه «وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آیاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ» (سباء، ۳۸) نیز استناد می‌کند.

فناری در مورد تعریف معجزه در نسخه خطی عین الاعیان چنین توضیح می‌دهد که معجزه آن است که مدعی نبوت، دیگران را به معارضه بطلبید. با به معارضه طلبیدن از اینکه شخص دروغ گو معجزه‌ای را که در گذشته بوده، حجت برای خود به حساب آورد، دوری جسته است و با این قید از «ارهاص» نیز متمایز می‌گردد. ارهاص واقع شدن امر خارق العاده است، به عنوان مقدمه‌ای که بر بعضی پیامبر در آینده دلالت می‌کند و از کرامات است و با سحر و شعبدہ و فریفتون از راه‌های هندسی مانند بلند کردن اجسام سنگین و شناخت آن چه که مردم قواعد آن را نمی‌دانند، متفاوت است (فناری، ۳۱).

بدین ترتیب از نظر فناری در عرف شریعت، معجزه امر خارق العاده‌ای است که همراه با تحدي باشد بدون اینکه با آن معارضه شود. پس امر خارق العاده اعم است از انجام کار غیر معمول و نفی کار معمول. و منظور از همراه با تحدي بودن، در لغت جدال و منازعه است مانند کلام خداوند متعال که می‌فرماید:

«إِنْ كُنْتُمْ فِي رَبِّ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل‌آل‌الله، ۲۳)

فناری به عین المعانی استناد می‌کند و تعریف صاحب عین المعانی را آورده است. معجزه: یا به وجود آوردن شئ معدوم است مانند ناقه صالح که به دعاء حضرت صالح موجود شد و یا از بین بردن موجود است مانند شفا دادن کور مادرزاد و شخص دارای برص به دعاء حضرت عیسی، یا تغییر دادن حالت موجود است مانند تغییر یافتن عصای موسی به ازدها (فناری، ۳۲).

پی‌جویی‌های تطبیقی نشانگر آنست که دیدگاه فناری در مورد معجزه به دیدگاه سایر دانشمندان علوم قرآنی نزدیک است. برای نمونه جلال الدین سیوطی معجزه را چنین تعریف می‌نماید: «امر خارق للعاده، مقررون بالتحدى، مصون عن المعارضه» (سیوطی، الاتقان، ۱۳/۴) ملااحمد نراقی در تفاوت معجزه با سایر امور، وجوهی را به عنوان نظریه خود ابراز می‌نماید: «المعجزة الخارقة للعاده المفروقة بالتحدى المطابق للدعوى و المطلوب

الخصم الغیر المقصور علی واحد او امور خاصه و لا المترتب علی سبب ظاهر» (نراقی، ۵۳)

آیه الله خوئی در تعریف معجزه می‌آورد: «ان يأتی المدعی من المناصب الالهیة بما یخرق نوامیس الطبیعة و یعجز عنه غیره شاهدا علی صدق دعواه» (خوبی، ۱۳۳).

با بررسی اقوال متأخرین این نکته به دست می‌آید که نظرات بزرگانی چون سیوطی و آیت الله خوبی و نراقی موبد تعریف فناری از معجزه می‌باشد.

۴-۲. ارتباط کرامت و معجزه از نظر فناری

از نظر فناری کرامت بر دو نوع است: اول: کرامت بین عبد و پروردگار که از هدیه‌هایی است که فرشته مقرب و پیامبر مرسل توانایی آن را ندارد، و این کرامت، حق حقیقی است که احدی جز خداوند متعال از آن اطلاع ندارد، و عبد در میان محبین، کرامت و آن چه که مربوط به رسیدن به حق است را افشا نمی‌کند. دوم: کرامتی است که مخلوقین از آن اطلاع دارند و این از جنس خرق عادت است که شبیه معجزه است (فناری/۳۲).

فناری معتقد است که معجزه و کرامت دارای تفاوت‌هایی است که از آن جمله می‌توان گفت: معجزه مخصوص به شخصی است که ادعای نبوت دارد. همچنین بقای معجزه پیوسته با اراده و خواست پیامبر است، مثلاً شفای کور ممکن است تا ابد بماند ولی ازدها شدن عصا از بین برود. و نیز آشکار کردن معجزه می‌تواند جایز یا واجب باشد ولی مخفی کردن کرامت واجب است. افزون بر این معجزه بستگی به درخواست و طلب کردن مردم ندارد. همچنین معجزه به جهت رضایت درخواست کننده نیست. علاوه بر این فناری معتقد است معجزه خالص از فضل الهی سرچشممه می‌گیرد و قدرت بنده در آن تاثیری ندارد. و نیز معجزه با بیان کردن باطل نمی‌شود ولی کرامت با بیان از صاحب کرامت دور می‌شود. او همچنین می‌گوید صاحب کرامت بیم آن دارد که مشمول استدرج شود ولی پیامبر نه. و همچنین نایب کردن در معجزه ممکن است ولی در کرامت خیر مانند اینکه حضرت عیسی شمعون صفار را در زنده کردن مردگان نائب گردانید. فناری تصریح می‌کند که احتجاج به

وسیله معجزه حجت بر علیه مشرکین است و کرامت برای خود صاحب کرامت حجت است تا اصلاح گردد و برای قلب اوست تا مطمئن گردد (فناری، ۳۲). لازم به ذکر است که در تفسیر عین الاعیان فناری از قول صاحب بصائر چنین می‌گوید: «کرامت باقی نمی‌ماند و مخفی کردن آن واجب است و با اظهار آن و روی گرداندن از عمل مورد رضایت باطل می‌گردد؛ و گاهی متوقف است بر دعاء و تضرع، و گاهی شخص از ظاهر کردن کرامت ناتوان می‌گردد» (سمرقندی، ۵۲۳)، و با توجه به اینکه نقدی بر این تعریف وارد نکرده است، در نتیجه نظر فناری موید نظر صاحب بصائر است.

در سخنی گزیده چنین می‌توان گفت که از نظر شمس الدین فناری تفاوت مهم میان این دو، مخصوص بودن مدعی نبوت به معجزه است، چرا که اگر ولی ادعا کند که نبی است، دروغگو است و دروغگو نمی‌تواند ولی خدا باشد.

۳-۳. ارتباط ارهاص و معجزه از نظر فناری

چنانکه لغویان گفته‌اند ارهاص در لغت به معنای «اثبات» و «اصرار» از ریشه «رهص» (تأسیس بنیان، ساختن رگه زیرین بنا) (ابن منظور، ۳۴۳/۵) و «رهص» (شالوده، چینه و بنیان) آمده است (جوهری ۱۰۴۲/۳). در مورد مسئله ارهاص فناری معتقد است که ارهاص واقع شدن امر خارق العاده‌ای است، به عنوان مقدمه‌ای که بر بعثت پیامبر در آینده دلالت می‌کند و از کرامات است و با قید نداشتن مخالف، از سحر و شعبد و فریفتن از راههای هندسی مانند بلند کردن اجسام سنگین و شناخت آن چه که مردم قواعد آن را نمی‌دانند، دوری جسته است. به کوتاه سخن از نظر فناری تفاوت ارهاص با معجزه در این است که ارهاص، پیش از زمان دعوت و بدون تحدّی (مبازه طلبی) است. از نظر فناری ارهاص از کرامات است.

۳-۴. دیدگاه فناری در مورد معجزات حسی و عقلی

خداآنده حکیم، معجزات انبیاء را چنان قرار می‌داده که هر کدام از معجزات در آن

شرایط زمانی و مکانی، قوی ترین اثر را داشته باشد. معجزه هر پیامبری باید متناسب با علم و هنر رایج در آن زمان باشد تا امتیاز و برتری اعجازآمیز آن بر آثار بشری به خوبی درک شود. بنابر این از یک منظر می توان معجزه را به دو گونه معجزه حسی و معجزه عقلی تقسیم کرد. قبل از بررسی دیدگاه فناری لازم به نظرمی رسد که معجزات حسی و عقلی به اختصار معرفی شوند.

معجزه یا حسی است که با حواس درک می شود مانند طوفان نوح و سرد شدن آتش بر ابراهیم و عصای موسی و یا عقلی است که با بصیرت و درون نگری درک می شود، مانند خبر دادن از غیب و بیان حقائق علوم بدون یادگیری. معجزه حسی تاثیر بیشتری بر عوام دارد و برای آن‌ها سریع‌تر قابل درک است، لکن کسی بین معجزه و سحر و مانند آن فرق نمی‌گذارد مگر اینکه دارای وسعت علم باشد که این امور بوسیله آن شناخته می‌شود. اما معجزه عقلی را جز دانشمندانی که مخصوص به هدایت الهی و عنایت ازلی هستند؛ درک نمی‌کنند. خداوند متعال اکثر معجزات بنی اسرائیل را به خاطر کنديبودن ذهن شان و کم بودن بصیرتشان حسی قرار داده و بیشتر معجزات این امت به خاطر زیادی ذکاوت شان عقلی است و به این خاطر که این شریعت در طول زمان باقی است و آن چه که پیامبر ما از معجزات حسی آورد مانند شکافتن قمر که راوی آن انس است، سلام دادن سنگ، جوشیدن آب از میان انگشتانش (فاضی عیاض؛ ۲۸۶/۱)، و ناله تکه درخت (فاضی عیاض؛ ۳۱۸/۱) و شهادت گوسفند مسموم، که راوی این چهار مورد جابر است و شکایت شتر از کثرت عمل و کمی علف (فاضی عیاض؛ ۳۱۲/۱)، به روایت یعلی بن امیه، و غیر این‌ها که اهل حدیث در کتب دلایل نبوت مانند "الشفاء" و "الوفاء" جمع آوری کرده‌اند.

اما درباره معجزات عقلی می‌توان گفت: هر کس در آن حکمت‌هایی که پیامبر با مختصر‌ترین عبارت و لطیف‌ترین اشارت آورده است و صاحبان خرد از تفکر در آن عاجزند، تفکر کند، و از این حقایق لطیف و نکته‌های شریف اطلاع پیدا کند، قطعاً خواهد دانست که این‌ها نشان از قدرت الهی و حکمت رباني است. یکی از چیزهایی که خداوند

متعال پیامبر (ص) را به آن مخصوص گردانیده قرآن مجید است که از نزد حکیم حمید نازل شده، کتابی که بیانش منتشر شونده و برخانش قاطع است، که با آن، کسانی از سخنوران را که تحدى کردند، ساكت کرد و با آن عرب اصیل را با کلام خداوند متعال: «و إن كتتم في ريب» (البقرة، ۳۲) به معارضه طلبید پس از آوردن چیزی که با آن مقابله کند و مساوی باشد عاجز شدند، چگونه با آن مقابله کند؟ هر چند که آن‌ها امیران سخن و سروران تکلم بودند و تمام تلاش‌شان را برای خاموش کردن نور قرآن و مخفی کردن آن به کار بستند، هنگامی که گفتند: به این قرآن گوش ندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید و گفتند: اگر بخواهیم مثل این قرآن را می‌گوییم، اما اگر با قرآن معارضه می‌شد، قطعاً نقل می‌گردید، چرا که انگیزه‌ها برای نقل چیزی که دقیق و بالاست، بسیار است. کتاب‌های بسیاری در طعن بر اسلام تالیف شده و متداول گردیده است و در آن معارضه ایشان با اسلام نقل گردیده، ولی نقض قرآن نقل نگردیده، این دلالت می‌کند بر اینکه با قرآن معارضه نشده است.

فناری در اینجا به تحلیل ماهیت معجزه با رویکرد عرفانی پرداخته که همین موضوع تفاوت تحلیل او را با سایر دانشمندان نشان می‌دهد وی در ابتدا به نقل از صاحب بصائر می‌گوید: «هر معجزه‌ای که برای سایر انبیاء بوده است، مثل آن برای پیامبر ما هم موجود بوده است، و ظاهر کردن آن‌ها در اختیار او بوده است. وی در ادامه بیان می‌دارد این مطلب هر چند بعضی از آن با روایت‌های واحد، نقل شده مثل سخن گفتن حضرت با گوسفند مسموم سرخ شده و تسخیر شیطان و بستن او به استوانه مسجد، سپس خالی کردن مسجد با یاد کردن از دعاء برادرش سلیمان، لکن بر این حقیقیه و عقلیه در صحت آن‌ها وجود دارد که به بعضی از آن‌ها در فکوک اشاره شده است». (فناری ۳۴).

اینکه هر پیامبری که ظاهر کننده اسمی از اسماء حق است، همانا بیوت یا رسالت او معین می‌گردد و به حق از حیث آن اسم تکیه می‌کند، این شان هر موجودی است، پس همانطور که بین اسماء تفاوت در حکم و حیطه وجود دارد، بین انبیاء و اولیاء نیز تفاوت

وجود دارد و نهایت امر ایشان اینست که ارتباط شان به حق منتهی می‌شود تا به تعیین اول که دربرگیرنده همه تعیینات است و بعد از احادیث ذاتی قرار می‌گیرد، برسد و شان پیامبر ما(ص) و کاملان از وارثان او تعیین اول است که با شان دیگران متفاوت است.^۱ (فناری/۳۴)

اینکه آیات هر پیامبر محکم کردن اسمی است که رسالت و نبوت او به آن مستند است و بوسیله این درجات انبیاء و اولیاء و مراتب آن‌ها مختلف می‌شود، همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: «تِلْكَ الرَّسُّلُ فَضَّلَنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ» (البقره، ۲۵۳)، و لکن برتری از جهت خود رسالت نیست، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «لَا نُفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ» (البقره، ۲۸۵) – به خاطر یکی بودن رسالت از جهت حقیقت آن که به خداوند متعال مرتبط است – بلکه تفاوت در محل ورود از اسماء است که از جهت حکم، حیطه و قوت تاثیر متفاوت است، و اسماء بعضی خادم بعض دیگراند، به همین خاطر در مراتبی مانند اجناس و انواع و اشخاص متفاوت است (فناری، ۳۴). مبدأ حکم خداوند متعال در خلق و محل شروع تعلق حکم خداوند متعال به مخلوقات، علم ازلی ذاتی است که صورت‌های معلوم خود را به یک طریقه متعین می‌کند و او سبب در ایجاد موجودات است و قضاe و قدر تابع علم خداوند متعال به آن صورت‌هاست آنگونه که حقائق آن اقتضاء می‌کند.

از دیدگاه فناری چنین برداشت می‌شود که از آن جا که مبدئیت با علم ثابت می‌شود و آب مظهر علم است، از جهت حکمت لازم می‌آید که نشانه اولین پیامبر بر اساس علم خداوند متعال آب باشد، مانند طوفان نوح^۲ و از آن جایی که کلام صورتی از صورت‌های علم یا نسبتی از نسبت‌های علم است، درب تاثیر حق در خلق گشوده می‌گردد و از علم به عین ظاهر می‌شود و اثر آن در دنیا و آخرت استمرار می‌یابد لذا نشانه پیامبر(ص) کلام بود، همانطور که حکم خداوند تمام موجودات را به صورت واحد با قلم اعلیٰ تقدیر کرده که این تقدیر با این کلام است: علم خود را در مورد مخلوقاتم تا روز قیامت می‌نگارم

۱. کلام فناری و اشاره وی به کاملان وارثان پیامبر که در این زمینه به حدیث قیامت نیز اشاره دارد، ناظر به ائمه است.

۲. با توجه به این مستله فناری اولین پیامبر را نوح می‌داند.

(سیوطی، درالمنشور ۴۷۱/۸).

به عقیده فناری ظاهر شدن شکافتن ماه به صورت تصرف در آن، رازش این است که فلک قمر، اگر چه کوچکترین فلک از حیث جرم است ولی از حیث حکم جامع‌ترین آن‌هاست؛ چراکه در آن نیروهای سائر آسمان‌ها و توجه ملائکه جمع می‌گردد و سپس از آن‌جا بر این عالم و اهل آن توزیع می‌گردد پس پیامبر ما که آخرین رسول و جامع‌ترین آن‌هاست، در آخرین فلک و جامع‌ترین آن‌ها تصرف کرده است و به همین خاطر کلیدهای گنجینه زمین و آسمان به او داده شده همانصور که به این مطلب پنج روز قبل از رحلتش خبر داد. (فناری ۳۵) و اینکه: شرف هر پیامبری از حیث معجزات و نشانه‌ها به رتبه آن پیامبر نسبت به پیامبر خاتم است. معجزات حضرت ابراهیم پس از حضرت محمد(ص) از نظر تعداد به سایر انبیاء برتری دارد و بزرگترین معجزه ایشان در مخصوص بودن او به ساختن کعبه است زیرا زمین محل خلافت و کعبه صورت حضرت حق است(فناری ۳۴).

از نظر فناری اینکه پیامبر ختمی مرتبت از نظر کمالات و رتبه در اعلی درجات قرار دارد. در کلام ایشان در حدیث قیامت در مورد باز کردن درب شفاعت و اینکه پیامبر جانب راست عرش می‌ایستند که هیچ یک از عالیان آن‌جا نایستاده (احمد بن حنبل، ۳۸۸/۱۹) و این‌که فرمودند من در روز قیامت آقای مردم هستم (بخاری، ۸۴/۶) بارز و صادق است چراکه قاعده این است که هر کمالی که انسان در این نشه به دست نیاورده باشد، بعد از مرگ هم برای او حاصل نمی‌شود، پس این کمالات برای پیامبر حاصل شده ولی به خاطر حکمتی که این دنیا اقتضا می‌کند آن را پوشانده و در روز قیامت که عالم کشف و آشکارشدن اسرار و زمان میاهات است، ظاهر می‌گردد.

۴. وجوه اعجاز از دیدگاه فناری

در این بخش به وجوه اعجاز از نظر علماء و دو رویکرد فناری در مورد اعجاز

پرداخته می‌شود.

طبق نظر جمهور علماء از عامه و خاصه و از جمله آنها شیخ مفید، اعجاز قرآن؛ مربوط به فصاحت فوق العاده و بلاغت در حد اعلى و همچنان، استعمال قرآن بر اخبار غیبی و مطالب دقیق علمی و احوال مبدأ و معاد است (نک: مجلسی، ۲۲۴/۱۷). شیخ مفید و سید مرتضی وجه دیگر اعجاز را صرفه می‌دانند.^۱ (نک: سید، مطالب مندرج در تمهید الاصول شیخ طوسی، ۱۳) راوندی دیدگاههای رایج میان علماء مسلمان در مورد اعجاز قرآن را در چند بخش خلاصه کرده و چنین می‌نویسد که مسلمین، متفق هستند که قرآن معجزه پیامبر است، ولی متكلمين مسلمان، در بیان وجه اعجاز قرآن، با یکدیگر هم رأی نیستند و لذا ایشان به آراء آنها پرداخته و هفت رأی را به شکل ذیل نقل می‌نماید: ۱- قول به صرفه؛ ۲- قول به فصاحت خاص قرآن، زیرا مراتب فصاحت و بلاغت امری محصور و محدود است و قرآن مربوط به فراتر از آن حد بوده است. ۳- اعجاز مربوط به محتوى و معانى صحیح قرآن که مورد تأیید عقل نیز است. ۴- دوری قرآن از تناقض و تزلزل؛ ۵- اخبار غیبی قرآن؛ ۶- نظم مخصوص قرآن؛ ۷- تأليف و نظم قرآن در کنار هم؛ ایشان در پایان ذکر وجود اعجاز، بیان می‌دارد که هریک از وجوده مذکور می‌تواند، ارزشمند و قابل قبول باشد. (راوندی؛ ۹۸۱-۹۸۲) شایان توجه آن است که دیدگاه ها و نظرات گوناگونی در میان علماء در مورد وجود اعجاز مطرح است که پرداختن به همه آنها مجالی گسترده می‌طلبد (نک: راوندی، ۹۷۱/۳؛ رمانی، ۲۲؛ زملکانی، ۵۶؛ زرکشی، ۹۳/۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که فناری در تفسیر خود در مورد اعجاز نسبت به علمای قبل از خود دو رویکرد جدید دارد. از نظر فناری اعجاز قرآن بر دو صورت است: نخست اعجازی که متعلق به خود قرآن است؛ و دوم اعجازی که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است، نه از خود معارضه با وجود قدرت (فناری، ۳۳).

۱. خداوند، پس از تحدي در مبارزه طلبی برای آوردن مانند قرآن، فصحاء و بلغاء را از آوردن به مانند آن، عاجز نمود و آنها را گرچه می‌توانستند که به مانند قرآن را بیاورند، از آن کار بازداشت و از قدرت آنها کاست.

در ادامه هریک از این وجوده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. اعجاز قرآن با توجه به ویژگیهای ظاهری قرآن

بیان شد که فناری در گام نخست اعجازی را معرفی می‌کند که متعلق به خود قرآن است. به دیگر سخن اعجازی مورد نظر فناری است که مربوط به صورت قرآن است، یعنی نظم مخصوص قرآن از حیث فصاحت و بلاغت آن را در بر می‌گیرد، یا اینکه از حیث ماده مربوط به معنای آن است؛ چرا که ماده قرآن الفاظ است و الفاظ قرآن همان الفاظ مورد استفاده مردم است خداوند متعال می‌فرماید: «قُرَأْنًا عَرَبِيًّا» (یوسف، ۲) و یا می‌فرماید: «الْمَذْكُورُ الْكِتَابُ» (البقره، ۱-۲) برای اشاره به یکی بودن عنصر و اینکه قرآن نظم یافته به همان چیزی که کلام مردم نظم می‌یابد. در این راستا فناری بیان می‌کند که نظم قرآن پنج مرتبه دارد:

اول: نظم در صرف، که همان نظم حروف ساده برای به دست آوردن کلمات سه گانه است؛ دوم: نظم نحوی است، که همان نظم کلمات است برای به دست آمدن جملات مفید که نثر نامیده می‌شود؛ سوم: نظم جملات به طوری که شامل مبادی و مقاطع است، که نظم و مُنشأ نام دارد، که دو قسم است: محاوره یا خطابه و مکاتبه یا رساله. چهارم: اینکه در نظم صنایع بیانی و بدیع لحاظ شده باشد که مصنوع نامیده می‌شود؛ پنجم: اینکه وزن لحاظ شده باشد (فناری، ۳۳).

توجه به این نکته ضروری است که انواع کلام از این اقسام خارج نیست و قرآن جامع زیبایی‌ها است. گرد آوردن قرآن به گونه‌ای که بشر با آن پیوند دارد نیست، و برای تذکر به این مطلب قرآن فرمود: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» (فصلت، ۴۱-۴۲). در قرآن شعر به کار نرفته، در حالی که رتبه موزونی دارد که بالاتر از رتبه منظوم است و این به خاطر راز لطیفی است، که قرآن منبع حق و محل جمع شدن صدق است، اما بالاترین کاری که شاعر به صورت معمول انجام می‌دهد، نشان دادن باطل به صورت حق است با زیاده روی در مدح یا مبالغه در ذم و ناراحت کردن مخاطب خود و موید این کلام آیه: «وَ

الشُّعَرَاءِ يَتَبَعُهُمُ الْغَاوُونَ» (الشعراء، ۲۲۴) می‌باشد. به همین جهت است که پیامبر(ص) فرموده: شکم فردی از زخم جراحت پر شود بهتر است از اینکه از شعر پر گردد (بخاری، ۳۶/۸) در عرف هم آمده: زیباترین شعر دروغ ترین آن است. و اصحاب نظر، برهان تالیف شده از تخیلات که در اکثر موارد باطل می‌گردد را شعر می‌نامند.

در توضیح این مطلب فناری عنوان می‌دارد به این خاطر که نظم شعری به خودی خود از مراتب کمال نظم است، قرآن از آن خالی نیست؛ مانند کلام خداوند متعال: «صلُوا عَلَيْهِ وَسَلُّمُوا تَسْلِيمًا» (الأحزاب، ۵۶) که مناسب بحر کامل است، ولی بحر کامل نیست، و «لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا» (آل عمران، ۹۲) که مناسب رمل است، و «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكُفُرْ» (الكهف، ۲۹) که مناسب طویل است، و غیر از این‌ها که در عروض مفتاح سکاکی ذکر شده است. پس قرآن از نظم شعری - نظم لازم عرفی شعر - که همان دروغ می‌باشد و به صورت متعارف مذموم است منزله می‌باشد. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ مَا هُوَ بِقَوْمٍ شَاعِرٍ» (الحاقة، ۱۴) «وَمَا عَلِمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (یس، ۶۹)

گرچه نظم عرفی شعر نیز از آن جهت که بر محتوای شعر دلالت می‌کند مذموم است اما قرآن که محتوا و معنای آن معارف الهی و بیان مبدأ و معاد و خبر دادن از غیب‌هایی که گذشته و پیش‌رو است، از دروغ و نقص و آن چه که عقل‌های ساده^۱ می‌پسندند، خالی است، اخبار سابقه مانند قصه‌های قرآنی و اخبار آینده مانند کلام خداوند متعال: «اللَّمَعْلَبَتِ الرُّومُ» (روم، ۲-۱) و همانظور که خبر داده بود، اتفاق افتاد و کلام خداوند متعال: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» (قصص، ۸۵) مخاطب پیامبر است و مراد از معاد مکه است.

فناری در پاسخ به این پرسش که اگر در معانی، عجم و عرب و شهرنشین و روستانشین مشترک‌اند^۲، پس اعجاز آن کجاست؟ می‌نویسد: ما قبول نمی‌کنیم که معانی مخصوصی که در قرآن استفاده شده را همه می‌دانند، بلکه آن چه که مشترک بین طوایف

۱. تعریف فناری از عقل‌های ساده "یعنی آنچه که مردم عوام بدون تعلیم و تعلم و پرده برداشتن متوجه نمی‌شوند."

۲. المشترک بين الطوائف الأربع.

چهارگانه است یعنی معانی به صورت مطلق قابل فهم همگان است نه کلام ذکر شده در قرآن که هر کس فراخور حال خود از آن بهره می‌برد.

۴-۲. اعجاز قرآن از باب صرفه

مسئله‌ی دیگری که فناری به آن پاسخ داده آنست که اعجاز در قرآن از جهت عدم تعلیم و تعلم است نه از آن جهت که قرآن است! وی در پاسخ به این نکته می‌نویسد اطلاع از حقایق الهی و غیبی، کسانی که اهل تعلیم و تعلم‌اند نیز از آن مطلع نمی‌شوند، این یک معجزه است و این که قرآن خود بدون تعلیم و تعلم بر شخص نبی اکرم نازل شده نیز یک معجزه دیگر است. اما اعجاز متعلق به برگرداندن مردم از معارضه با قرآن، این است که هیچ صنعت خوب یا بدی نیست مگر اینکه بین آن و گروهی مناسبات‌های ویژه‌ای وجود دارد، لذا هر فردی حرفه‌ای را می‌پسندد و سینه او با تمرین آن صنعت گشاده می‌گردد، همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاءَ كَلِّهِ» (الإسراء، ۸۴)، «لِكُلٌّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (المائدہ، ۴۸). توضیح اینکه هنگامی که عرب‌های اصیل از خطیبان و بليغان که در هر وادی‌ای از سخن‌های گوناگون وارد می‌شوند و به روانی زبانشان اهمیت می‌دهند، هنگامی که برای معارضه با قرآن دعوت شدند، نتوانستند در برابر قرآن بایستند، صاحب خرد آن‌ها متوجه شدند که یک وجود الهی آن‌ها را از این کار بازگرداند و چه اعجازی بالاتر از اینکه همه افراد بليغ متahir مانده‌اند از اینکه در ظاهر یا باطن با کوچکترین سوره قرآن معارضه کنند.

۵. نتایج مقاله

در این پژوهش با واکاوی نسخه خطی تفسیر عین الاعیان به بررسی مفهوم معجزه پرداخته شده و نتایج زیر حاصل به دست می‌آید:

۱-۵. اقسام اعجاز قرآن از دیدگاه فناری در دو جنبه مختلف بررسی می‌شود. جنبه اول که

مریوط به خود قرآن است و در نظم و مفاهیم آن تجلی می‌باید و دوم اعجازی که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است، نه از خود معارضه با وجود قدرت.

۲-۵. اعجاز نظم قرآن در دیدگاه فناری خود به ۵ مرتبه تقسیم‌بندی می‌شود. جنبه دوم اعجاز قرآن، اعجازی است که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است نه از خود معارضه با وجود قدرت چنان‌که برخی علماء صرفه را این‌گونه تعریف کرده‌اند.

۳-۵. در مقایسه اعجاز انبیاء الهی، فناری هر پیامبری را ظاهر کننده اسمی از اسماء الهی می‌داند که با توجه به رتبه آن پیامبر در معجزه وی تجلی می‌کند چنان‌که پیامبر ما که خاتم پیامبران و اشرف ایشان بوده، ظاهر کردن معجزات همه پیامبران در اختیار ایشان بوده است.

۴-۵. فناری نسبت به سایر علماء در بحث اعجاز دارای دیدگاه‌های جدیدی است. این اندیشه نو در موضوعاتی مثل تعریف معجزه، تحلیل عرفانی معجزه، واکاوی مؤلفه‌های نظم تفاوت معجزه آن با کرامت و ارهاص، بروز و ظهور یافته است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم به ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
۳. ابن حنبل، احمد، مسنده، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۶۹، م.
۴. ابن فارس، أحمد، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴، ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴، ق.
۶. امینی نژاد، علی، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم، موسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۶، ق.
۸. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغة، بیروت، دارالعلم للملائين، ۱۴۰۴.
۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۰، ق.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، قم، موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۲.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء للطباعة، ۱۳۹۵، ق.
۱۲. رمانی، علی بن عیسی، ثلات رسائل فی اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف، ۲۰۰۸.
۱۳. زرکشی، ابوعبدالله محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالعرفة، ۱۳۷۶، ق.
۱۴. زملکانی، عبدالواحد بن عبد الكریم، المجید فی اعجاز القرآن المجید ، قاهره، دار الثقافة العربية، ۱۴۱۰.
۱۵. سکاکی حنفی، سراج الدین ابویعقوب یوسف خوارزمی، مفتاح العلوم، نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد، ش ۳۳۹۵، ق. ۷۰۱.
۱۶. سمرقندی أبواللیث، ابراهیم، تفسیر السمرقندی، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۳، ق.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۶.
۱۸. همو، الدر المتنور فی التفسیر بالمانور، مکتبة آیت الله المرعشی التجفی، ۱۴۰۴، ق.
۱۹. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.
۲۰. طاشکبری زاده، الشقائق النعمانیه علمائی الدولة العثمانیة، بیروت، دارالكتب العربی، بی تا.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، تجرید الاعتقاد، تهران، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۷.
۲۲. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. همو، تمہید الاصول فی علم الكلام ، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۵۸.
۲۴. فاضل مقداد، مقدادین عبدالله، شرح باب حادی عشر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۲۵. فخررازی، محمد بن عمر، المحصل، عمان، دار الرازی، ۱۴۱۱.
۲۶. فناری، نسخه خطی عن الانعیان، کتابخانه آستان قدس رضوی.
۲۷. قاضی عیاض، ابوالفضل، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۶، ق.

۲۸. قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدى (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، النكت فى مقدمات الاصول من علم الكلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. نراقى، احمد بن محمد مهدى، سيف الامة و برهان الملة ، قم ، دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۸۵ .
۳۲. يزدان پناه، یدالله، مبانی و اصول عرفان نظری، قم ، مؤسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲ .

